

گستره انقلاب

● اصغر افتخاری
عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق (ع)

« هرگونه برداشت قابل قبولی از ارزش اخلاقی، ناگزیر پلورالیستی خواهد بود: هیچ امیدی نیست که برنامه فروکاستن جملگی ارزش‌ها به «مطلوبیت» یا به «رفاه اجتماعی» یا به «اجرای حقوق» عملی شود

در نهایت سن به مشکلات الحاق مفاهیم «حقوق»^۸ و «آزادی» به اخلاق اقتصادی می‌پردازد. چنین می‌نماید که این جنبه‌های ابزاری، ارزش حقوق حفاظت‌کننده را تمام و کمال مال خود نمی‌کنند: زیرا با گذاردن حقوق یک شخص فی‌نفسه نادرست است ولو اینکه پیامدهای خیر به همراه داشته باشد. سن بررسی می‌کند که آیا الحاق این ارزش ذاتی اجرای حقوق، به منزله قسمتی از تعریفی غنی‌تر برای «پیامدها» امکان‌پذیر است یا خیر، و نتیجه می‌گیرد که این واکنش می‌تواند کسری از - اما نه کل - آنچه را تسخیر کند که هنگام اعطای ارزش ذاتی حقوق در معرض نابودی قرار می‌گیرد.

سن در جای جای کتاب به کرات این تم را پیش می‌کشد که تا آن جا که ملاحظات اخلاقی به رفتار انسان شکل می‌دهند، اخلاق نه تنها برای نظریه‌های نرماتیو که برای نظریه‌های «پوزیتیو» یا تبیینی رفتار انسان من جمله نظریه‌های اقتصادی نیز اهمیت واقع دارد. دومین تم نیز اینکه هرگونه برداشت قابل قبولی از ارزش اخلاقی ناگزیر پلورالیستی خواهد بود: هیچ امیدی نیست که برنامه فروکاستن جملگی ارزش‌ها به «مطلوبیت» یا به «رفاه اجتماعی» یا در حقیقت، به «اجرای حقوق»، عملی شود. سومین تم تکراری نیز اینکه این قضیه که بازارهای رقابتی به تنهایی نتایجی اخلاقاً خیر به بار می‌دهند در مواجهه با برداشت بدیل از انگیزه انسان و ارزشیابی اخلاقی سخت آسیب‌پذیر است؛ برداشت بدیلی که بغایت مقبول به نظر می‌رسد. با این اوصاف، این پهنه به راستی پهنه‌ای است صعب و بغرنج. اما، همان طور که سن در خاتمه کتاب می‌گوید «دلایل نزدیک‌تر ساختن اقتصاد به اخلاق بر اساس سهولت این کار نیست. در عوض، دلایل را باید در پاداش‌هایی جست که از این کار عاید می‌شود. اینک من نشان داده‌ام که می‌توان انتظار داشت که این پاداش‌ها نسبتاً درخور توجه باشد.»^۹

یادداشت‌ها:

1- Sen, Amartya, *On Ethics and Economics*, Oxford: Blackwell, 1987.

2- Amartya Sen.

۳- سن، آمارتیا، *اخلاق و اقتصاد*. ترجمه حسن فشارکی، تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۷.

4- *Journal of Economic Literature*.

5- Michael S. McPherson

6- Williams College

7- *Economics and Philosophy*

8- rights

9- Ibid, P. 89.

« آمارتیا سن به خوبی نشان می‌دهد که چگونه پاره‌ای ساده‌سازی‌های مرسوم اقتصاددانان، جنبه‌های اخلاقاً مهم مسایل مورد بررسی‌شان را نادیده می‌گیرد و می‌زداید

« اقتصاددانان، بیشینه‌سازی توابع مطلوبیت فردی را به طور غیرارادی به منزله معیار پذیرفته‌اند. اما سن نشان می‌دهد که معیاری از این دست به راستی سخت ضعیف و بی‌مایه است

گرفتن انگیزه‌هایی افزون بر نفع شخصی را نشان می‌دهد. سن بر ضد یک کاسه کردن همه انگیزه‌های غیرخودخواهانه استدلال می‌کند و بر اهمیت فرق گذاردن میان نوع دوستی «ناب» یا از خودگذری و مواردی مانند علقه‌هایی که میان فرد و کل افراد برقرار می‌شود؛ رفتاری که نشانگر التزام به وظیفه است؛ و پیروی راهبردی از قواعدی که رفاه جمعی را بهبود می‌بخشد، اصرار می‌ورزد.

در قسمت دوم سن معیارهای بدیلی برای ارزش‌گذاری اخلاقی مطرح می‌سازد. اقتصاددانان بیشینه‌سازی توابع مطلوبیت فردی را به طور غیرارادی به منزله معیار پذیرفته‌اند. اما سن نشان می‌دهد که معیاری از این دست به راستی سخت ضعیف و بی‌مایه است. اول اینکه، درخصوص رفاه فردی می‌بایست به مفاهیمی توجه شود وسیع‌تر از ارضای رجحان‌های ذهنی. سن زمینه‌هایی را مطرح می‌سازد جهت اندازه‌گیری رفاه با استفاده از معیارهایی به مراتب

«وعدۀ الهی مستضعفین را شامل است و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام بشوند در دنیا و وارث باشند. امامت، حق مستضعفین است.»^(۱)

انقلاب اسلامی ایران اگر چه در نقطه‌ای خاص از جهان به وقوع پیوست ولیکن پیام اصلی آن که همانا مبارزه با ظلم و ستم و برپایی حکومتی عادلانه بود، به علت ماهیت فراجغرافیایی آن، نقش مهمی در شکل‌گیری نظم سیاسی تازه در سطح جهانی ایفاء نمود. این واقعیت، جمعی از محققان خارجی را بر آن داشت تا پس از گذشت اولین دهه از عمر سیاسی انقلاب اسلامی ایران، در روزهای چهارم و پنجم فوریه ۱۹۸۹ در واشنگتن (دی. سی) گرد هم آمده، به بررسی آثار جهانی این انقلاب بزرگ بپردازند. «موسسه خاورمیانه، Middle East Institute» و «مدرسه جان هاپکینز، John Hopkins School» که به مطالعات پیشرفته در حوزه روابط بین الملل اختصاص دارند و «موسسه سلطنتی روابط بین الملل، Royal Institute of International Relation»، این همایش را که از حیث حضور محققان حوزه‌های مختلف علمی در حد خود بی‌نظیر بود، برگزار کردند. علت توجه محافل علمی به این همایش آن بود که تا قبل از آن، پژوهشی با آن دقت و حساسیت در خصوص آثار انقلاب ایران صورت نگرفته بود و از این منظر همایش «تأثیرات جهانی انقلاب اسلامی» تازه و بکر می‌نمود. مقالات عرضه شده در همایش همگی از لحاظ اعتبار علمی و استنادات - گذشته از صحت یاسم استنتاجات به عمل آمده - قوی، ارزنده و درخور تامل می‌باشند. به همین علت در نوشتار حاضر سعی شده ضمن معرفی اجمالی محتوای کتاب، ابعاد مختلف موضوع و مقالات مربوطه به طور مستقل معرفی گردند. البته نقد کتاب حاضر با عنایت به گستره وسیع آن که کشورها و مناطق مختلفی از شرق و غرب جهان را شامل می‌شود و حجم زیاد اطلاعات ارایه شده، کار ساده‌ای نیست و مجال دیگری را می‌طلبد.

الف - ابعاد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی

با تامل در محتوای مقالات عرضه شده در این همایش، می‌توان رد و نشان گروه‌های فکری مختلفی را در مقام ارزیابی «انقلاب اسلامی» یافت.^(۲) گروه اول شامل محققانی است که به حضور سیاسی روحانیان در داخل ایران بیشتر توجه دارند و گسترش انقلاب را به عنوان عاملی که به استمرار این حضور کمک می‌کند، تفسیر و ارزیابی می‌کنند. گروه دوم به ملاحظات عملی در سیاست خارجی ایران چشم دوخته‌اند و معتقدند که صدور انقلاب، اصلی عملی در سیاست خارجی ایران بوده است. سومین گروه، ضمن جدی گرفتن مسئله «صدور انقلاب» به امواج فکری - ایدئولوژیک آن عطف توجه نموده و پیام فکری انقلاب را عاملی موثر در تأثیرگذاری آن بر توده‌ها و حتی نخبگان می‌دانند. اسپوزیتو، فرهنگ رجایی، رضائی و شاهرخ اخوی از جمله محققانی هستند که در کلیت این موضوع به تحلیل پرداخته‌اند.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، اصل «صدور

انقلاب» کم و بیش برای تمامی تحلیلگران دهه اول انقلاب اسلامی، مهم بوده و هریک به فراخور حال خود به آن توجه نموده‌اند. «جان اسپوزیتو، John Esposito» در همین باره چنین اظهار داشته‌است که در دهه اول؛ انقلاب ایران، دو هدف عمده در دستورکار حکومت قرار داشته است. اول، استحکام مبانی انقلاب در داخل و دوم؛ صدور پیام آن به خارج. به نظر وی هر دو هدف فوق با تأثیرات خارجی انقلاب مرتبط بوده است. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد، متعاقب پیروزی و استمرار حیات انقلاب اسلامی، نوعی امیدواری در گستره جهانی و در میان کلیه مردم بوجود آمد که به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم متأثر از تحولات ایران بوده است. براین اساس انقلاب ایران، پدیده‌ای منطقه‌ای و حتی جهانی ارزیابی می‌گردد. که امکان نادیده انگاشتن آن عملاً وجود ندارد. «ابراهیم قنبری» با عنایت به همین واقعیت است که تأثیر انقلاب اسلامی ایران، در نیجریه را به شکل زیر توصیف و تحلیل می‌نماید:

«زعامت [امام] روح الله خمینی [ره] در ایران و توفیق وی در برپایی جمهوری اسلامی، در نیجریه تأثیر شگرفی گذاشته است. به گونه‌ای که فعالیت‌های معارضه جویانه مردم نیجریه هم اکنون شامل طیف گسترده‌ای از حرکت‌های مسلحانه و خشن گرفته تا اعتراض‌های مسالمت جویانه است که هریک تاحدودی از الگوی [امام] خمینی، متأثرند و این دیدگاه پیروان زیادی در میان رهبران انقلابی کشورهای مختلف دارد.»

اظهارنظرهایی از این دست، ما را بیش از پیش به حساسیت تأثیرات انقلاب اسلامی آگاه می‌سازد و اینکه لازم است در این موضوع تاملی تازه و درخور داشته باشیم.

بحث از تأثیرات انقلاب اسلامی محتاج داشتن تصویری دقیق از پیشینه تاریخی تشیع در ایران و بستر سیاسی شکل‌گیری آن است. این مهم را ویراستار کتاب در مقدمه تحلیلی‌ای که برای اثر آورده، به انجام رسانیده است. اسپوزیتو ضمن اشاره به ریشه‌های تاریخی تشیع در ایران، بویژه عملکرد سیاسی - اجتماعی صفویه، و تأکید بر تحولات بنیادین که ایران با ورود به دوره حکومت پهلوی‌ها تجربه می‌کند، بستر اجتماعی شکل‌گیری انقلاب را توصیف و در نهایت به این نتیجه مهم می‌رسد که عمده‌ترین تأثیر انقلاب اسلامی از پایه الگویی تازه از اسلام بوده که برای بعضی از سران کشورهای اسلامی آن زمان - مانند لیبی، مصر، سودان، پاکستان و مالزی - اصلاً خوشایند نبود. علت این امر نیز آن بود که مخالفان حکومتی در این کشورها می‌توانستند زیر چتر اسلام انقلابی به روایت [امام] خمینی [ره] به فعالیت بپردازند و بدون آن که برچسب «ضد دین» بر آنها زده شود، در پی نفی سیاست‌های رسمی برآیند.^(۴) از این منظر انقلاب ایران از وجوه متعددی برای گروه‌های معارض قابل استفاده بود، از جمله:

- انقلاب اسلامی ایران نمونه موفقی از اسلام انقلابی بود.

- انقلاب ایران، نمونه بدیل و موفقی برای طرح‌های غربی توسعه - نظیر انقلاب سفید شاه - به شمار می‌رفت.

- انقلاب اسلامی ایران، روحیه استکبارستیزی و غرب‌ستیزی را به عنوان یک ابزار کارآمد، تعریف و تبیین نمود.

- بنای انقلاب بر هویت مستقل دینی، به کار کشورهای در حال استقلال می‌آمد و نیاز آنها را برآورده می‌کرد.

- تکیه انقلاب اسلامی بر ایده‌ها و نمادهای مشترک بین فرق اسلامی نظیر احیای اسلام و طرح نمادین شعار الله اکبر، آن را برای تمامی مسلمانان جذاب می‌کرد.

در مجموع با دقت در تحلیل به عمل آمده توسط «اسپوزیتو» معلوم می‌شود که فرآیند تأثیرگذاری انقلاب اسلامی مبتنی بر پنج اصل عمده بوده است که عبارتند از:

۱- اسلام تنها طریق زندگی سالم است که به سعادت منجر می‌شود.

۲- تمسک جوامع و حکومت‌های اسلامی به ایده‌ها و برنامه‌های غربی ناشی از ضعف‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی آنهاست و ربطی به ذات

مهاجرت به ایران و ایرانی شدن جوانان افغانی، شدت یافتن عملکرد جنبش‌های افغانی موافق با ایران و ظهور احزاب و گروه‌های تازه افغانی که کم و بیش به آرمان‌های ایران اسلامی نظر داشته‌اند، از مهم‌ترین جلوه‌های تأثیرپذیری افغانستان از انقلاب اسلامی ایران است

رشد تعداد عناوین نشریاتی که متوجه جریان احیاء اسلامی است، ترجمه آثار اندیشه‌گرانی چون شریعتی، نقش موثر دانشجویان در اقبال به آموزه‌های اسلامی - ایرانی در دو کشور مالزی و اندونزی، نمود دیگری از تأثیرات انقلاب اسلامی بوده است

اسلام ندارد.

۳- دست یابی مجدد به شکوه و عظمت اولیه، مستلزم بازگشت به اسلام است.

۴- اگر جامعه‌ای خواهان دوری از مفاسد رایج می‌باشد، باید شریعت الهی را به مثابه قانون حاکم بر روابط اجتماعی‌اش پذیرفته، به اجرا گذارد.

۵- اعتلای ارزشهای الهی نیازمند آمادگی همگان برای شرکت در جهاد است.^(۵)

اصول فوق ابعد تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران به کشورهای مختلف را نشان می‌دهد که در اثر حاضر توسط تحلیلگران به بحث و بررسی گذارده شده است.

۶- تأثیرات مورد نظر اگر چه متنوع بوده و جنبه‌های مثبت و منفی متعددی را در برمی‌گیرد، اما در مجموع نشان می‌دهد که جهان تا حد زیادی از انقلاب اسلامی ایران متأثر گردیده است. همین واقعیت به ما اجازه می‌دهد تا به شکل مبسوط، با محتوای مقالات و نظرات مؤلفان آن آگاه شویم.

ب - قلمرو تأثیرگذاری

مجموعه مقالات مندرج در کتاب به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در خاورمیانه، جنوب غربی آسیا و آسیای مرکزی، جنوب شرق آسیا، و بالاخره آفریقا اختصاص دارد که در ادامه کلیات آن می‌آید.

۱- تأثیرات انقلاب اسلامی در خاورمیانه

با توجه به موقعیت جغرافیای ایران و حضور جمعیت قابل توجهی از مسلمانان در خاورمیانه، به نظر می‌رسد این منطقه بیش از دیگر مناطق جهان از انقلاب اسلامی ایران تأثیر پذیرفته است. کشورهایی که در این قسمت مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از:

۱-۱- عراق.

«فیلیپ رابینز، Philip Robins» از جمله محققان بنام در خصوص تحولات کشور عراق و نویسنده کتاب «آینده خلیج فارس»، سیاست و نفت در دهه نود» است که در مقاله «عراق، تهدیدات انقلابی و واکنش‌های حکومتی» به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در این کشور پرداخته است.

رابینز در این مقاله نخست به عوامل اصلی‌ای که رابطه بین انقلاب ایران و جنبش‌های معارضة جویانه در عراق را تقویت می‌نمایند، اشاره کرده، عوامل زیر را به تفصیل توضیح می‌دهد:

- شیعه محوری هر دو حرکت

- حضور جمع کثیری از علمای شیعه در عراق که دارای روحیه انقلابی هستند.

- رابطه نزدیک آیت‌الله خمینی (ره) با علمای عراق و سابقه آشنایی دیرینه ایشان با مراجع مقیم در عراق

براین اساس بدیهی بود که رژیم بعثی عراق از تحولات ایران احساس خطر نماید و آن را منبع بروز تحولاتی در آینده، علیه خود ارزیابی نماید. تبریک همراه با هشدار دولت بعثی متعاقب پیروزی انقلاب به فوق دارد.

رابینز اگرچه زمینه تأثیرگذاری انقلاب ایران در عراق را مثبت ارزیابی می‌کند ولیکن براین باور است که این تأثیر به شکل کامل صورت نپذیرفت. این امر نیز در عملکرد رادیکالی دولت عراق - درحمله به ایران - و

ارزیابی شتابزده ایران از جامعه شیعی عراق - در اینکه شیعیان عراق اقدام به انقلاب علیه رژیم بعث می‌نمایند - ریشه دارد. در همین ارتباط ارزیابی

«فب مار، Phebe Marr» قرین صحت است آنجا که نشان می‌دهد، شیعیان عراق درون ساختار بوروکراسی

بعثی جذب شده‌اند و لذا از توان انقلابی آنها به شدت کاسته شده است.^(۷) نتیجه آنکه، سیاستهای جبرانی

دولت عراق که در قالب تسهیلات مادی برای شیعیان به اجراء درآمده، همراه با بکارگیری ابزارهای خشونت‌بار

دولتی، منجر شد تا تأثیر انقلاب ایران به حداقل ممکن

در این کشور برسد. از دست رفتن بهترین فرصت‌ها

جهت مقابله با رژیم بعثی از سوی شیعیان عراق، واقعیتی است که رابینز در آخر مقاله‌اش به آن اشاره دارد:

«این حقیقت تاریخی که بین شیعیان عراق و ساختار سیاسی حاکم بر این کشور نوعی تعارض وجود دارد، بستر مناسبی را برای طرح اندیشه‌های

انقلابی ایران در این کشور فراهم آورد و هوادارانی را به سوی خود جلب کرد. الگوی ایران برای رهبران شیعی عراق می‌توانست مفید باشد، چرا که کاستی‌های آنها را در عمل جبران می‌نمود.»

اما تحولات تاریخی مانع از تأثیرپذیری کامل جامعه شیعی عراق از آرمانهای انقلاب اسلامی شد.^(۸)

۱-۲- عربستان سعودی و کشورهای حاشیه خلیج فارس

«دیوید لانگ، David Long» در مقاله مفصلی تحت عنوان «تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شبه

جزیره و کشورهای خلیج فارس» ضمن تأکید بر ضرورت تأمل هرچه بیشتر در این زمینه، دو بعد مهم انقلاب

اسلامی را که به نظر او هر یک تأثیرات خاص خود را در پی داشته است، از هم تفکیک می‌کند. این دو بعد

عبارتند از «اصل‌گرایی» که ریشه در صدر اسلام دارد و «ملی‌گرایی» که وجه مدرن و امروزی انقلاب اسلامی به

شمار می‌آید. انقلاب اسلامی از بعد اول دو تأثیر عمده بر کشورهای شبه جزیره گذارده است:

اول - تأثیرات فکری - ایدئولوژیک که ناظر بر تئوری ولایت فقیه می‌باشد.

دوم - تأثیرات سیاسی - روان‌شناختی که منجر به ایجاد روحیه امیدواری در مسلمانان این کشور می‌باشد.

اگر چه در مورد اول به خاطر گرایش‌های قوی سنی و وهابیت، تأثیرات انقلاب اسلامی چندان زیاد نیست،

لیکن در بعد دوم تأثیر انقلاب ایران بسیار زیاد ارزیابی می‌گردد. به گونه‌ای که بسیاری از محققان نتایج به

دست آمده از پیروزی انقلاب ایران را شبیه نتایج چشمگیر و گسترده پیروزی ژاپن بر روسیه در جنگ

۵-۴-۱۹۰۴ می‌دانند.

اما از بعد دوم (ناسیونالیستی) انقلاب ایران، انقلابی مدرن به حساب می‌آید که گرایش‌های ناسیونالیستی را

تأیید می‌نماید. تا قبل از انقلاب شکاف اصلی در منطقه، شکاف بین‌گرایش‌های محافظه‌کارانه و رادیکال بود که تحت تأثیر انقلاب اسلامی، این ساختار

به هم خورده، شکاف سابق جای خود را به شکاف تازه



عرب - فارس و یا شیعه - سنی می‌دهد. آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، تیر خلاصی بود که بر پیکر ساختار سابق شلیک شد و در پی آن ترتیب تازه‌ای در منطقه بوجود آمد که عمدتاً مخالف ایران بود.^(۹) بدین ترتیب انقلاب ایران از دیدگاه دوم، تأثیر زیادی بر ساختار شکافهای منطقه‌ای داشته است.

۳-۱- لبنان

«آگوستوس ریچارد نورتن» (Augustus Richard Norton) در مقاله خود به بررسی تأثیرات انقلاب ایران در حوزه مهم و حساس لبنان پرداخته است. مؤلف ضمن اشاره به وضعیت پیچیده و حساس لبنان، از تأثیرات آشکار انقلاب اسلامی در این کشور سخن به میان آورده است. حضور سیاسی فعال ایران در لبنان از طریق سوریه و حزب‌الله، کمکهای مالی و نظامی ایران به شیعیان مظلوم لبنان، مخالفت جدی با اسرائیل و حمایت پی‌گیر از مبارزان مسلمان و مخالفان اسرائیل، و طرح ضروری تاسیس یک حکومت دینی در لبنان، از جمله تأثیراتی هستند که «نورتن» به تفصیل در این مقاله به آنها اشاره کرده است.^(۱۰) در مجموع لبنان به عنوان کشوری که به میزان زیادی و آشکارا از انقلاب ایران تأثیر پذیرفته است، مطرح می‌باشد.

۴-۱- مصر

«شاهرخ اخوی» از جمله پژوهشگران ایرانی مقیم آمریکا در مقاله «تأثیرات انقلاب ایران بر مصر» از تأثیرات فکری و غیر مستقیم انقلاب اسلامی سخن به میان آورده است. طرح نظریه ولایت فقیه از سوی امام (ره) و مخالفت رسمی «الازهر» با این نظریه، اگر چه حکایت از واکنش منفی مصر به دستاوردهای نظری انقلاب اسلامی دارد ولیکن این واقعیت را نمی‌توان نادیده گرفت که گذشته از «الازهر» گروههای رادیکال متعددی در مصر هستند که به «ولایت فقیه» با دید مناسبتری نگاه می‌کنند. این ادعای «کلنل ابوزمر» که با استناد به تحولات ایران خطاب به مسلمانان مصر گفته بود: «بدون داشتن توان بالای نظامی هم می‌توان پیروز شد»^(۱۱) حکایت از عمق تأثیرپذیری ایشان از تحولات ایران دارد، تا آنجا که دولت مصر از آنها به «انصارخمینی» یاد نموده است.^(۱۲) در ادامه مقاله، اخوی به تفکیک کانونهای اصلی دارنده قدرت و گروههای موثر در صحنه سیاسی و فکری جامعه مصر پرداخته و میزان تأثیر هر یک را به طور مشخص آورده است. مهمترین گروههایی که اخوی مورد بررسی قرار داده، عبارتند از: اخوان مسلمین، جناح چپ اسلامی، و بالاخره دولت مصر. آنچه که دراززیایی اخوی چشمگیر می‌نماید ارایه مستدل گونه‌های مختلف برخورد با انقلاب ایران در درون یک جامعه واحد است که در مجموع حکایت از تأثیرپذیری محدود مصر از تحولات ایران دارد.^(۱۳)

۵-۱- تونس و لیبی

«لیزا اندرسن» (Lisa Anderson) در «تونس و لیبی: واکنش به گرایش‌های اسلامی»، به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در این دو کشور پرداخته است. به نظر او، اگر چه انقلاب اسلامی ایده تازه‌ای را در تونس و لیبی

دامن نزد و برای تحقق آرمان‌هایی مشابه آنچه در ایران دیده می‌شود، هیچ گروه انقلابی در این دو کشور ایجاد نشد، لیکن در کلیت جریان‌های سیاسی - اجتماعی، تأثیراتی را داشته است. تأثیر عمومی انقلاب اسلامی در قالب توجه توده‌ها به اسلام و نگرانی دولتهای سکولار آنها، تجلی می‌نماید، چرا که مشی سیاسی دو کشور تقریباً واحد بوده و بر نوعی سکولاریسم مبتنی است که علی‌القاعده در مقابل امواج فکری صادره از سوی انقلاب اسلامی ایران، واکنش‌های یکسانی را از خود بروز می‌دهند. لازم به ذکر است که، چون ساختار سیاسی - اجتماعی دو کشور به شکل بسته‌ای طراحی شده، علی‌القاعده هیچ حزب خاصی نتوانسته تحت عنوان طرفداری از آرمانهای انقلاب اسلامی در هر دو کشور ایجاد شود، اما در مجموع ارایه الگوی تازه‌ای از رابطه دین و سیاست، تأثیرات قابل توجهی را در هر دو کشور گذاشته است.^(۱۴)

۲- تأثیرات انقلاب اسلامی در جنوب غربی آسیا و آسیای مرکزی

جنوب غربی آسیا و آسیای مرکزی از جمله مناطقی هستند که با توجه به وجود کشورهایی همچون افغانستان در آن، از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردارند. نزدیکی جغرافیایی و فرهنگی کشورهای این حوزه با ایران، به تأثیرات انقلاب اسلامی رنگ و جلوه‌ای خاص داده که در ادامه و در ذیل معرفی چند مقاله به کلیات آنها اشاره‌ای خواهیم داشت.

۱-۲- افغانستان

«الیور روی» (Oliver Roy) از جمله کارشناسان به نام مسایل افغانستان می‌باشد که در مقاله خود به تحلیل تأثیرات انقلاب اسلامی ایران، در «افغانستان» پرداخته است. به نظر وی افغانستان به خاطر وجود گروههای قومی مختلف، جنگهای داخلی طولانی و نزدیکی به ایران، ظرفیت بالقوه بسیاری برای تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی داشته است. مهم‌ترین جلوه‌های تأثیرگذاری فوق عبارتند از:

۱- مهاجرت به ایران و «ایرانی شدن جوانان افغانی» که در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ مشاهده می‌شود.
۲- شدت یافتن عملکرد جنبش‌های افغانی موافق با ایران در داخل افغانستان که در دهه ۱۹۵۰ به بعد بخوبی دیده می‌شود.

۳- ظهور احزاب و گروههای تازه افغانی که کم و بیش آرمانهای ایران اسلامی را مد نظر داشته‌اند. از جمله این گروهها و احزاب می‌توان به «حرکت اسلامی» به رهبری «شیخ اصف محسنی» (۱۹۷۹)، «نصر»، «سپاه پاسداران» (۱۹۸۲)، «نیرو» (۱۹۸۶) و «حزب‌الله» به رهبری «قاری احمد» اشاره داشت.

در مجموع نویسنده تأثیرات انقلاب اسلامی در دهه اول از حیاتش را در افغانستان، چشمگیر ارزیابی می‌کند.^(۱۵)

۲-۲- جمهوری‌های آسیای مرکزی

آسیای مرکزی به علل تاریخی متعدد، بسته بودن منطقه و دوری‌شان از آموزه‌های مذهبی، وضعیت خاصی دارد. وضعیتی که بسیاری از تحلیلگران آن را برای ظهور تأثیرات انقلابی - مذهبی، نامساعد

می‌دیدند. با وجود این، پتانسیل مذهبی موجود در منطقه امکان خوبی را برای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی فراهم آورد که بیشتر بخاطر وجود عوامل مساعدی از قبیل وجود مرزهای مشترک در آذربایجان و ترکمنستان، تعلق خاطر فرهنگی ایران با مردم این منطقه، واسطه‌گری افغانستان در انتقال پیام‌های ایران و بالاخره فاکتور زبان، می‌باشد. در مجموع تأثیرات انقلاب اسلامی در این منطقه صرفاً در قالب الگوها و روندهای کلی ارزیابی می‌شود که نمود بارز آن را «احیاء گرایش به اسلام» شکل می‌دهد. به عبارت دیگر می‌توان چنین ادعا کرد که تحولات ایران در جلب توجه مردم مناطق مزبور به اسلام و آرمانهای اسلامی تأثیر مستقیم و موثری داشته است. اما از حیث سیاسی دو دیدگاه مخالف وجود دارد که یکی تحولات این منطقه را به ایران نسبت داده و دیگری آنها را متأثر از عوامل داخلی می‌داند. چنین به نظر می‌رسد که تأثیرات ایدئولوژیک انقلاب ایران در منطقه به مراتب از تأثیرات سیاسی‌اش بیشتر بوده است.^(۱۶)

۳- تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در جنوب شرقی آسیا

جنوب شرق آسیا به خاطر وجود کشورهای مهمی چون مالزی و اندونزی که هر یک مدعی طرح الگوی

اصل صدور انقلاب کم و بیش برای تحلیل‌گران دهه اول انقلاب اسلامی مهم بوده و هر یک به فراخور حال خود به آن توجه نموده‌اند

بنای انقلاب بر هویت مستقل دینی، به کار کشورهای در حال استقلال می‌آمد و نیاز آنها را برآورده می‌کرد

شیعه محوری و حضور جمع کثیری از علمای انقلابی شیعه در عراق از جمله عواملی است که رابطه بین انقلاب ایران و جنبش‌های معارضه جویانه در عراق را تقویت نموده است

تونس و لیبی

لیزا اندرسن، «تونس و لیبی: واکنش به گرایش‌های اسلامی»، به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در این دو کشور پرداخته است. به نظر او، اگر چه انقلاب اسلامی ایده تازه‌ای را در تونس و لیبی

تازه‌ای در زمینه توسعه می‌باشند، و نیز فیلیپین که در عرصه سیاست عملی فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه نموده، حائز اهمیت و در خور پژوهش است. به همین علت در اثر حاضر، میزان تأثیرات انقلاب اسلامی به طور مشخص در این سه کشور مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۳- مالزی و اندونزی

«فرد. آر. وُن یر مهدن، Ferd.R. Von der Mehden» از جمله پژوهشگران سخت‌کوش در حوزه مسایل جنوب شرق آسیاست که در مقاله «مالزی و اندونزی: حرکت‌های اسلامی و ارتباط آنها با ایران» به بررسی مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در این دو کشور پرداخته است. قرابت دینی این دو جامعه با ساختار دینی ایران تا آن حد زیاد است که عده‌ای گمان می‌کردند مالزی در آینده‌ای نزدیک به «ایران دیگری» در منطقه تبدیل خواهد شد. رشد تعداد عناوین نشریاتی که متوجه جریان احیاء اسلامی در این دو کشور هستند، ترجمه آثار اندیشه‌گرانی چون شریعتی، نقش مؤثر دانشجویان در اقبال به آموزه‌های اسلامی - ایرانی، سطح تأثیرات انقلاب اسلامی را در این دو کشور بالا برده تا آنجا که می‌توان به بهبود روابط رسمی بین دو کشور به عنوان شاخص عمده این تأثیرگذاری اشاره داشت. بهبود سطح روابط بین طرفین آنهم در حالی که در سالهای اول انقلاب دو دولت مذکور، علاقه چندانی به حوادث ایران از خود نشان نمی‌دادند، حکایت از تأثیر مثبت ایران در منطقه و ضرورت توجه به این کشور دارد که قابل انکار نیست. در مجموع مؤلف براین باور است که اگرچه گستره تأثیرات انقلاب ایران در این دو کشور «محدود» بوده ولیکن همین گستره اندک از عمق خوبی برخوردار بوده است. (۱۷)

۲-۳- فیلیپین

«سزار عابد ماجول Cesar Abid Majul» تأثیرات عدیده‌ای را برای انقلاب اسلامی ایران در فیلیپین ردیابی کرده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

اول - معارضة با مارکوس به رهبری «آکیونو Benigno Aquino» که دقیقاً از الگوی انقلاب ایران برای این منظور بهره برد.
دوم - جلب توجه مسلمانان فیلیپین به آرمانهای انقلاب اسلامی و حمایت از ایران.
سوم - شکل‌گیری جنبش‌ها و حرکت‌های همسو با آرمان انقلاب ایران همانند «جبهه آزادی بخش ملی» (مورو)

چهارم - گرایش چشم‌گیر دانشجویان فیلیپینی به آرمانهای انقلابی در اثر فعالیت مؤثر دانشجویان مسلمان ایرانی مقیم در فیلیپین. (۱۸)
مجموع تأثیرات فوق، حکایت از موفقیت اولیه انقلاب اسلامی در ورود به جامعه فیلیپینی دارد.

۴- تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در آفریقا

آخرین حوزه‌ای که در اثر حاضر به آن اشاره شده، آفریقا می‌باشد. نظر به اهمیت دو کشور بزرگ سودان و نیجریه، در ادامه نوشتار از تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در این دو کشور سخن خواهیم گفت.

۱-۴- سودان

برنامه رسمی دولت سودان برای اسلامی نمودن کشور در سپتامبر ۱۹۸۳ و باقوانین موسوم به «قوانین سپتامبر» که رئیس‌جمهور، «جعفر نمیری»، آنها را وضع کرده بود، آغاز شد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران توانست برای دولت و مردم سودان بسیار قابل توجه باشد، چرا که بعضی از آرمانهای سودان در این انقلاب متجلی گردید. به همین علت مشاهده می‌شود که روابط دو کشور متعاقب پیروزی انقلاب روبه‌بهبود می‌گذارد. به عنوان مثال «حسن الترابی» رهبر جمعیت اخوان المسلمین سودان به چشم احترام به آرمانهای انقلاب اسلامی می‌نگریست و به طور رسمی به ایران هم سفر کرد. گذشته از آن روابط دولت نمیری و دانشجویان بعدی او نیز با ایران در سطح خوبی بوده است که تماماً حکایت از تأثیرپذیری این کشور از انقلاب ایران دارد. (۱۹)

۲-۴- نیجریه

«ابراهیم قنبری» در «انقلاب اسلامی در نیجریه: نتیجه تحولات داخلی یا تأثیرات خارجی؟» به بررسی محتوایی انقلاب اسلامی نیجریه و میزان تأثیرپذیری آن از انقلاب اسلامی ایران پرداخته است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که نیجریه چندان بالنگوی سیاسی انقلاب ایران موافق نیست، لذا انقلاب نیجریه بیشتر تحت تأثیر عوامل داخلی ارزیابی می‌گردد تا عوامل خارجی‌ای از قبیل انقلاب ایران. با وجود این، نقش انقلاب ایران در احیاء تفکر و گرایش دینی در نیجریه مسلم و غیر قابل انکار است، که حکایت از تأثیرپذیری ایدئولوژیک این کشور از ایران دارد. (۲۰)

ج - نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران به مثابه حادثه‌ای شگرف در جهان مطرح می‌باشد که تأثیرات بسیاری در کشورهای مختلف داشته است. آنچه در خلال مقالات اثر حاضر آمده، حکایت از گونه‌های این تأثیرگذاری دارد. در بعضی کشورها انقلاب ایران با تقویت انگیزه‌های انقلابی به پیدایش جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، منجر شده و در برخی دیگر، عاملی تهدیدکننده برای دولت‌های حاکمه بوده است. لذا تأثیرات انقلاب اسلامی به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم پهنه گیتی را درنوردیده و در نظر و عمل، آثاری را به دنبال داشته است. پاره‌ای از این تأثیرات در اثر حاضر به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته که گزارش اجمالی آن در این مقاله آمد. اما لازم است در انتهای نوشته، اشاره‌ای به برخی از نکاتی داشته باشیم که متأسفانه در تحلیل‌های مؤلفان مقالات مدنظر قرار نگرفته‌اند و لذا اظهارنظرهای غیر صحیحی را در خصوص تأثیرات انقلاب اسلامی به دنبال داشته است.

۱- برخی به غلط، انقلاب ایران را صرفاً شیعی دانسته و از تأثیرات فرقه‌ای آن سخن گفته‌اند. حال آنکه انقلاب ایران «اسلامی» بوده و مخاطبان آن کلیه مسلمانان و حتی آزاداندیشان هستند. براین اساس آنچه که تحت عنوان «تأثیرات فرقه‌ای» در این اثر بیان شده، از صحت و وجاهت علمی لازم برخوردار نیست.

۲- برخی از تحلیل‌گران با دیدگاه‌های صرفاً

غربی به انقلاب ایران نگاه کرده‌اند، لذا آرمانها و شعارهای آن را به خوبی درک نکرده‌اند. قراردادن تحولات ایران در ذیل الگوی کمونیستی و بیان آثار و تأثیرات چپی برای انقلاب ایران، ریشه در همین نقیصه دارد که البته نمی‌تواند مورد قبول باشد.

۳- درک نادرست از ماهیت حکومت اسلامی از جمله علل دیگری است که آرایه تحلیل‌های نادرستی را به دنبال داشته است. تقسیم‌بندی سیاستمداران و یا رهبران انقلاب در ذیل عناوینی چون راست - چپ، مدرن - قدیم و... موجب شده تا آرمانهایی غیر از آرمانهای اسلامی به عنوان اهداف اولیه مورد نظر انقلابیون طرح شود که البته تأثیرات ناشی از آنها نمی‌تواند به پای انقلاب اسلامی نوشته شود.

در مجموع کتاب حاضر از آن حیث که دیدگاه‌های مختلف در خصوص انقلاب اسلامی و میزان تأثیر آن را در دهه اول انقلاب، به خواننده معرفی می‌نماید، قابل توجه و درخور مطالعه می‌باشد. این اثر چنانکه مورد نقد جدی قرار گیرد، می‌تواند بستر مناسب برای تهیه و انتشار آثار دیگری در همین موضوع را فراهم آورد. آثاری که به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی در دومین دهه از حیاتش اختصاص داشته و بتواند مکمل اثر

چنین به نظر می‌رسد که تأثیرات ایدئولوژیک انقلاب ایران در منطقه آسیای مرکزی به مراتب از تأثیرات سیاسی‌اش بیشتر بوده است

تأثیر عمومی انقلاب اسلامی در قالب توجه توده‌ها به اسلام و نگرانی دولت‌های سکولار آنها تجلی می‌یابد

برخی از تحلیل‌های اظهارشده، انقلاب ایران را صرفاً شیعی دانسته و از تأثیرات فرقه‌ای آن سخن گفته‌اند. حال آنکه انقلاب ایران، «اسلامی» بوده و مخاطبان آن کلیه مسلمانان و حتی آزاداندیشان

هستند

جذب شیعیان عراق در ساختار بوروکراسی بعثی، سیاستهای جبرانی دولت در قالب تسهیلات مادی برای شیعیان همراه با به کارگیری ابزارهای خشونت بار دولتی موجب شد تا تأثیر انقلاب ایران در این کشور به حداقل ممکن برسد

به نظر «دیوید لانگ» دو بعد اساسی در انقلاب اسلامی قابل تفکیک است. یکی «اصل‌گرایی» که ریشه در اسلام دارد و دیگر «ملی‌گرایی» که وجه مدرن و امروزی آن به شما می‌آید

Arab World, Washington (D.C), Brookings Institution, 1984.

۹- جهت مطالعه بیشتر درباره تأثیرات انقلاب اسلامی در شبه جزیره حجاز، نک:

- David Long, "Confrontation and Cooperation in the Gulf", **Middle East problem Paper**, No.10, 1974.

- Erik Peterson, **The Gulf Cooperation Council: Search for unity in a Dynamic Regim**, Westview Special Studies on the Middle East, Boulder, Colo.: Westview Press, 1988.

۱۰- در موضوع لبنان و تأثیرات انقلاب ایران در این کشور، رک:

- Abbas Kelidar "The Shii Imami Community and the Politics of the Arab East", **Middle Eastern Studies**, January, 1988, No. 19.

11. Al Sifa, May 28, 1982.

12. Eric Davis, "Ideology, Social Class and Islamic Radicalism in Modern Egypt", in: Said Arjomand (Edi), **From Nationalism to Revolutionary Islam**, Albany, 1984. p152.

۱۳- در ارتباط با مصر و تأثیرپذیری‌های آن از انقلاب ایران، نک:

- Hassan Hannafi, "The Relevance of the Islamic-Alternative in Egypt", **Arab Studies Quarterly**, No 1-2, 1980.

- Rudi Mathee "The Egyptian opposition on the Iranian Revolution", in: **Shiism and Social Protest**, New Haven, Yale University Press, 1986.

- Fathi Abd-al aziz, **Khomeini: al-Badil al-Islami**, Cairo, Dar al- Itisam, 1979.

۱۴- در ارتباط با تأثیرات انقلاب اسلامی در تونس و لیبی، نک:

- Carl Brown, "The Role of Islam in Modern North Africa", in: Carl Brown (Edi), **State and Society in independent North Africa**, Washington, 1966.

- Drik Vanderwalle, "From the New State to the New Era: Toward a Second Republic in Tunisia", **Middle East Journal**, Autumn, No.42, 1988.

- Francis Ghiles, "Tunisian Trail Fails to Halt Radical Group", **Financial Times**, August 28.

۱۵- جهت مطالعه در خصوص آثار انقلاب اسلامی در افغانستان، نک:

- Edward Davis, "Shii Political Dissent in Afghanistan", in: **Shiism and Social Protest**, OP.cit.

- Zalmay Khalizad, "Iranian Revolution and Afghan Resistance", in: Martin Kramer (Edi), **Shiism Resistance & Revolution**, Boulder, Colo. :, Westview press, 1987.

۱۶- در همین ارتباط، رک:

-Martha- Brill Olcott (Edi), **Religion and Tradition in Rural Central Asia**, Armonk, N.Y. : M.E.Sharpe, 1990

- Shirin Akiner, **The Islamic Peoples of the Soviet Union**, London, Kegan Paul, 1983.

۱۷- در خصوص تأثیرات انقلاب اسلامی در مالزی و اندونزی، نک:

- J. Nagata, **the Reflowering of Malaysian Islam**, Van Courer, University of Columbia,

حاضر تلقی شود. باوجود این، آنچه که ذهن خواننده ایرانی را پس از مطالعه کتاب «اسپوزیتو» به خود مشغول می‌دارد، گستره وسیع مطالعاتی محققان خارجی، اهتمام ویژه آنها به انقلاب اسلامی و دقت علمی - تحلیلی زیاد آنهاست. امید می‌رود که آثاری با همین قوت از سوی محققان متعهد و دلسوز داخلی تهیه و به جامعه علمی عرضه گردد. آثاری که ضمن آرایه اطلاعات مستند کافی، از صحت تحلیلی بهتری - نسبت به تحلیل‌های به کار آمده در آثار اسپوزیتو - برخوردار باشند.

یادداشت‌ها:

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶ ص ۱۶۸.

۲- «اسپوزیتو» و «پیسکاتوری» این تقسیم‌بندی را به شکل مفصل در مقدمه کتاب حاضر آورده‌اند، جهت مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع شود به صفحات ۱ تا ۱۶ کتاب

3- Ibid, p.305.

۴- جهت مطالعه بیشتر در این زمینه نک:

- Hamid Algar, "The Oppositional Role of Ulama in Twentieth Century Iran", in: **Scholars, Saints and Sufis: Muslem Religions Since 1500**, N.R. Keddie (Edi), Berkely & Losangeles, University of California press, 1972.

- Abrahamian, "Ali Shariati: Ideologue of the Iranian Revolution", **MERIP Reports**, January, 1982.

۵- جهت تحقیق در مؤلفه‌های فوق رک:

- Shaul Bakhash, **the Reign of the Ayatollahs: Iran and Islamic Revolution**, New York, Basic Books, 1984.

- Said Amir-Arjomand, **The Turban For the Crown: The Islamic Revolution in Iran**, New York, Oxford University press, 1987.

۶- گرایش‌های مختلف نسبت به انقلاب اسلامی از دیدگاه غربی را در آثار ذیل به تفصیل بخوانید:

- Delip Hiro, **Iran Under Ayatollahs**, London, Routledge and Kegan Paul, 1985.

- James P. Piscatori (Edi), **Islam in the Political Process**, Cambridge, Cambridge University press, 1983.

- Juan R.I. Cole and Nikki R. Keddie (Edis), **Shiism and Social Protest**, New Haven, Yale University press, 1986.

7. See: Phebe Marr, **The Modern History Of Iraq**, Boulder, Colo.: West View, 1985

۸- در خصوص تأثیرات انقلاب اسلامی در عراق، به منابع زیر نیز می‌توان مراجعه نمود:

- Hanna Batatu, **The Old Social Class and the Revolutionary Movements of Iraq**, Princeton, Princeton University Press, 1978

- Chibli Mallat, "Religion Militancy in Contemporary Iraq: Muhammad Bager Sadr and the Sunni-Shia Paradigm", **Third world Quarterly**, April, 1983.

- Shahram Chubin and Charles Tripp, **Iran and Iraq at war**, London, I.R.Tauris, 1988.

- Ofra Bengio, "Shii & Politics in Baathi Iraq", **Middle Eastern Studies**, January, 1985.

- Christine Helms, **Iraq Eastern Fland of**

Press, 1984.

- S.Siddique, "Contemporary Islamic Developments in Asean", in: **Southeast Asian Affairs**, 1980.

۱۸- در خصوص وضعیت تأثیرپذیری فیلیپین نک: **Bulletin Today**, January 12,13.15&19, 1980.

۱۹- برای مطالعه تحلیل‌های مربوط به اسلام و جامعه سودان نک: Mahmoud Mohammad Taha, **The Second Message of Islam**, trans, Abdullahi Ahmed An Naim, Syracuse, Syracuse University Press, 1987.

- John Voll, **The Political Impact of Islam in the Sudan**, Washington (D.C) 1984.

۲۰- برای مطالعه تحلیل‌های مربوط به اسلام و نیجریه نک: Sulyman Nyang, "West Africa", in: Shireen Hunter (Edi), **Politics of Islamic Revivalism**, Bloomington, Indiana University Press, 1988.

در پایان یادداشت‌ها، این نکته یادآوری می‌شود که راقم سطور، به منابع معرفی شده در کتاب در خصوص تأثیرات انقلاب اسلامی اکتفا نکرده و در حدود نیمی از موارد را خود براین منابع افزوده است.

کتاب ماه علوم اجتماعی / بهمن ۱۳۷۸

۱۹